برترین روزنامه‌ها

نقشه راه جدید برای همکاری‌های راهبردی ایران و چین

ایران

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت در یادداشتی برای روزنامه ایران به دستاوردهای سفر سه روزه رئیس‌جمهور به چین پرداخت و نوشت: دولت سیزدهم با درک ضرورت متنوع‌سازی و توازن در ارتباطات خارجی با رویکرد تقویت مناسبات با حوزه‌های تمدنی آسیا و با هدف جبران یک دهه عقب‌ماندگی و همچنین به منظور تقویت چندجانبه‌گرایی و ارتقای روابط راهبردی و بسط مناسبات اقتصادی با شرکای مستقل، به دعوت رئیس‌جمهور چین برنامه سفر به این کشور را در دستور کار قرار داد. این سفر یقیناً فصل جدیدی از روابط دو کشور را رقم زد و تلاش شد با تشریک مساعی نقشه راه جدید برای همکاری‌های راهبردی عملیاتی شود.

نویسنده اضافه کرده است: روح کلی حاکم بر ملاقات‌ها نشان داد انگیزه و ظرفیت‌های بالایی برای توسعه چندبعدی روابط دوجانبه وجود دارد و این نکته را یادآوری کرد که ایران و چین دوستان روزهای سخت هستند و سیاست خارجی باید در خدمت پیشرفت و توسعه متقابل قرار گرفته و دچار سردرگمی و معطلی نشود. این سفر کاملاً از موضع اقتدار و استحکام و در شرایطی که پروژه آشوب‌سازماندهی‌شده در کشور شکست مفتضحانه خورد، صورت گرفت و خط پایانی شد بر توهم توان اختلال در مسیر و اراده پولادین انقلاب اسلامی. اگرچه همزمان جریان رسانه‌ای وابسته به غرب تلاش کرد به نوعی سیاست چین‌هراسی و ایران‌هراسی را توأمان توسعه دهد، اما بدیهی است که معنای واقعی آن، نگرانی رو به تزاید از همکاری‌های راهبردی دو کشور و با هدف ایجاد اخلال در مسیر نزدیکی دو کشور ایران و چین بود. در شرایطی که غرب با رویکرد جنگ سرد، قلدرمآبانه هنجارهای اساسی روابط بین‌المللی را نقض می‌کند و به صورت سیستماتیک به صلح و امنیت جهانی آسیب می‌زند، روابط دوجانبه ایران و چین بدون وقفه توسعه خواهد یافت.

آشتی ملی یا منجی‌نمایی؟

وطن امروز

روزنامه وطن‌امروز در یادداشت دیروز خود به فرصت‌طلبی یک جریان سیاسی پس از فروکش کردن اغتشاشات اشاره کرد و نوشت: جریانی که امروز موضوع «آشتی ملی» را مطرح می‌کند، چند پیش‌فرض غلط یا بهتر بگوییم چند پیش‌فرض کاذب را در اذهان و افکار مردم تبدیل به یک انگاره می‌کند و بعد بر اساس همان انگاره‌های غلط می‌خواهد از این نمد برای خود کلاهی ببافد. اولین پیش‌فرض غلط، «خودمردم‌پنداری» یا «خودملت‌نمایی» است! می‌شود گفت این جریان به دنبال یک «مردم‌سازی» یا «ملت‌سازی» دروغین است که در این نگاه سیاسی، مردم فقط آنهایی هستند که در مکتب این جریان تعریف شده‌اند یا فقط این جریان نماینده مردم است که در همه زمان‌ها، حتی اگر در قدرت هم باشند یا نباشند، باز نماد مردم اینها هستند! در این نگاه، به طور مثال مردمی که سال ۸۸ رأی دادند یا آن ۲۴میلیون نفری که به یک کاندیدا رأی دادند، مردم نبودند و باید به صندوق رأی لگد زد! مردمی که در راهپیمایی ۱۳آبان و ۲۲بهمن شرکت کردند مردم نیستند! بلکه مردم کسانی هستند که با نگاه سیاسی این جریان همخوانی دارند.

دومین پیش‌فرض غلط، ادعای دروغین «قهر» در بین مردم است، یعنی بخش عمده‌ای از جامعه با بخشی دیگر، مشغول دعوا هستند و حالا یک جریانی به عنوان ناجی جامعه، آشتی را بین مردم برقرار می‌کند. این در حالی است که بین مردم دعوایی وجود ندارد. بعد از این دو، نوبت به سومین پیش‌فرض غلط می‌رسد، یعنی «خودمنجی‌پنداری» یا «خودمنجی‌نمایی»! این جریان در گام بعدی طوری طرح موضوع می‌کند که مردم فقط آنها را منجی بدانند. این در حالی است که این جریان خود دعوا راه می‌اندازد و بعد می‌خواهد نقش منجی را بازی کند یا اینکه خود در مسئولیت قرار دارد اما با فرار غیرمسئولانه به دنبال قهرمان‌بازی است. در سال‌های ۹۶ و ۹۸ هم خودشان مسئول بودند و بعد بیانیه دادند که باید هوای مردم را داشت!

گروگانگیری با اخبار حاشیه‌ای

همشهری

روزنامه همشهری در یادداشت دیروز خود با طرح این پرسش‌ها که از مهم‌ترین دستاوردهای سفر دوروزه آقای رئیس‌جمهور به چین چه می‌دانیم؟ از تولید مشترک هواپیما با چین باخبر شدیم؟ از امضای سند ۳/۵میلیاردی سرمایه‌گذاری صنعتی چه؟ از توافق ۱۲میلیارد دلاری در صنعت حمل‌ونقل و ساخت خودرو چطور؟ از بسته ۴۰میلیارد دلاری در صنعت نفت خبر گرفتیم؟ نوشت: قدیم اتاق‌های شیشه‌ای رسانه‌ها محل تشکیل شورایی بود تا ضرایب اخبار را تعیین کنند. کدام خبر تیتر یک شود و کدام تیتر دوم و کدام گوشواره‌ها، به این فهم، مهم‌ترین ویژگی سردبیر یک رسانه، ضریب‌دهی اخبار است. اما امروز ضرایب اخبار را شبکه‌های اجتماعی تعیین می‌کنند. کدام بیشتر لایک خورده، بیشتر به اشتراک گذاشته شده و بیشتر واکنش گرفته است. اما آیا هر خبری بیشتر دست به‌دست شد، یعنی مهم‌تر است؟

مهم‌تر از این افکار عمومی است که ضرر می‌کند و از اخبار اصلی فاصله می‌گیرد. ما کم‌کم گرفتار یک بی‌خبری مدرن شده‌ایم. بی‌خبری ناشی از شبکه‌ها. همه می‌دانند و نمی‌دانند. باخبرند و بی‌خبر. به واقع فکر می‌کنند، می‌دانند و باخبرند. مخاطب در گروگان اخبار حاشیه‌ای و بی‌ثمر است. نویسنده اضافه کرده است: مسئله دوران بی‌خبری جدید است که کم‌کم در حال شکل‌گیری است. وقتی افکار عمومی را از اخبار اصلی دور نگه داشتیم و درگیر حواشی و اخبار زرد و بی‌ثمر کردیم، طبیعی است که رسانه دشمن رهزن ذهن‌های بی‌خبر می‌شود. چنانچه جنون‌وار می‌نویسند کیش و دریای خزر را به چین فروختند و ایران طی یک قرارداد ۲۵ساله مستعمره چین شد و عده‌ای چنان مسخ می‌شوند که علیه این خبر اعتراض خیابانی به راه می‌اندازند. این ثمره عصر بی‌خبری است. نسبت به پرسش ذهن مخاطب در هر سطحی سکوت نکنیم و پاسخگو باشیم. اما مراقبت کنیم هیجان اخبار حاشیه‌ای، مسئولان و رسانه‌های مرجع را به گروگان نبرد و به انفعال نکشد.

چرایی عظمت ملت ایران

رسالت

روزنامه رسالت به تحلیل حضور میلیونی مردم در ۲۲بهمن پرداخت و نوشت: شنبه تاریخی نشان داد انقلاب و نظام و اسلام در عمق وجود مردم ریشه دوانده و ریشه‌کن نمی‌شود. شنبه تاریخی نشان داد مردم به مسائل و مشکلات کشور «نگاه انقلابی» دارند و از «نگاه ارتجاعی» که امریکا و ضدانقلاب تبلیغ و ترویج می‌کنند، فاصله هوشمندانه‌ای دارند. دشمن هنوز از پیام تاریخی ملت ایران در «شنبه تاریخی» گیج و سردرگم است. تصاویر حضور مردم در سرتاسر کشور حرف آخر را در «جنگ تصویر» به دنیا زد و این حرف در جهان شنیده شد. مردم ایران در شنبه تاریخی نشان دادند دچار «اکنون زدگی» نیستند، به آینده‌ای روشن و امیدبخش فکر می‌کنند و هزینه آن را هر چه هست می‌دهند. مردم ایران ۲۲بهمن امسال را به «خوداکتشافی» و «خودفهمی» اختصاص دادند. نتیجه این خودفهمی و خوداکتشافی، استقامت ملی است. دشمن امروز در برابر استقامت ملی ملت ایران زانو زده و چاره‌ای جز این ندارد. اینکه مردم یک روز را اختصاص به صدای خود دهند، آن هم پس از ۴۴سال فراز و نشیب، با دشمنان نظام رودررو سخن بگویند، یک شگفتانه حیرت‌انگیز سیاسی و اجتماعی است. این یک راهپیمایی و تظاهرات نیست، یک اعلام موجودیت است که در قالبی خاص نشان داده می‌شود.

گزارش

رئیس سابق سازمان اطلاعات سپاه:

باید تک‌تیرانداز جنگ نرم تربیت کنیم

حامد جعفرنژاد / فارس

در جنگ سخت پیاده‌نظام داریم، توپخانه داریم، بمباران هوایی و موشکی داریم. در جنگ ادراکی و نرم هم همین‌ها را داریم. پیاده‌نظام شما، همان نویسنده‌ها هستند، آن تصویرگر است، آن عکاس است، آن توئیت‌زن است، آن کامنت‌گذار است. چطور در جنگ سخت آموزش‌های تک‌تیراندازی و نیروی پیاده داریم، اینجا هم باید چنین آموزش‌هایی داشته باشیم. اینجا ما چقدر سرمایه‌گذاری می‌کنیم؟ دشمنان ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تمام توان خود را برای از بین بردن این انقلاب به کار بستند و برای به زانودرآوردن نظام جمهوری اسلامی هر کاری توانستند انجام دادند اما هر بار به نحوی شکست خوردند. تحولات چند ماه گذشته نیز نمونه‌ای از برنامه‌ریزی‌های پیچیده و چندلایه ضدانقلاب برای تجزیه ایران بود که باز هم با هوشیاری ملت ایران اهداف‌شان محقق نشد. حجت‌الاسلام حسین طائب، مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران و رئیس سابق سازمان اطلاعات سپاه پیرامون بررسی ابعاد این طراحی‌ها گفت‌وگویی با خبرگزاری فارس داشته است که بخش‌هایی از آن در ادامه می‌آید.

در سال جاری دشمنان تلاش کردند با فریب جوانان و ایجاد اغتشاش کشور را به آشوب بکشند، تحلیل شما درباره این اتفاقات و تلاش‌هایی که دشمن برای آسیب به نظام دارد چیست؟

ما تاکنون درگیر جنگ‌های مختلفی با دشمن بودیم و یک پایه همه جنگ‌های نرم حوزه رسانه است، حتی در جنگ ترکیبی و جنگ سخت. وظیفه ما در رسانه تصویرسازی است؛ اینکه رسانه چگونه بر اساس ارزش‌های خودی، برای خودی و بیگانه تصویر درست کند. آنجایی که باید کار تحکیمی انجام دهد، تصویر متناسب با خودی درست کند، آنجا که می‌خواهد عملیات روانی آفندی کند، تصویر مناسب برای آن بسازد. آنجا که می‌خواهد پدافند کند، تصویر مناسب با این حوزه بسازد. پس این گونه تصویرسازی، کار رسانه است. ما باید ببینیم در جنگ ترکیبی به چه چیزی نیاز داریم، آسیب‌های‌مان را مشخص و بر اساس آن مهندسی جدید کنیم. این کار، کار خود حوزه رسانه است. این بازمهندسی را باید خود رسانه انجام دهد. از یک جایی باید شروع شود، بعد مطالبه‌گری کند، بعد نقشه رسانه‌ای جدید و مهندسی جدید را انجام دهد و بر اساس آن کار را انجام دهد. ما می‌گوییم در جنگ سخت پیاده‌نظام داریم، توپخانه داریم، بمباران هوایی و موشکی داریم. در جنگ ادراکی و نرم هم همین‌ها را داریم. پیاده‌نظام شما، همان نویسنده‌ها هستند، آن تصویرگر است، آن عکاس است، آن توئیت‌زن است، آن کامنت‌گذار است. چطور در جنگ سخت آموزش‌های تک تیراندازی و نیروی پیاده داریم، اینجا باید چنین آموزش‌هایی داشته باشیم. اینجا ما چقدر سرمایه‌گذاری می‌کنیم؟ ما احتیاج داریم در جنگ ترکیبی و در شبکه ادراکی و شبکه رسانه‌ای‌مان بازنگری کنیم، یک زمانی می‌گفتیم وب ۱ مطرح است. وب ۱ رفت و وب ۲ آمد. ما باید ببینیم در پنج سال دیگر چه اتفاقی می‌افتد، خودمان را برای آن جنگ آماده کنیم. ما که نمی‌خواهیم شعار بدهیم. ما اعتقادمان بر این است که روزی می‌رسد که کل این کره زمین خاکی در اختیار اسلام قرار می‌گیرد. اگر به این اعتقاد داریم، باید با این افق برنامه‌ریزی کنیم. تحول‌مان را باید ایجاد کنیم. نگاه‌مان باید در تراز انقلاب اسلامی باشد. فقط شعار ندهیم.

چرا امریکایی‌ها ایران را به عنوان یک تهدید می‌دانند؟

انقلاب اسلامی زمانی که به پیروزی رسید، رقابت بین دو ابرقدرت شرق و غرب سر تسلط بیشتر بر جهان بود. می‌گفتند جهان دو بخش است: یا سلطه‌گر است یا سلطه‌پذیر. این دو قطب دنبال این بودند که سهم‌شان را از این جهان بیشتر کنند. انقلاب اسلامی بروز پیدا کرد. انقلاب اسلامی آمد و یک حرف جدید زد، گفت: نه سلطه‌گر و نه سلطه‌پذیر. ۱۲سال این دو قطب به رغم اینکه باهم رقابت می‌کردند، حریف ما شدند و مشترکاً گفتند این قطب نباید شکل بگیرد تا اینکه یک قطب با فروپاشی روبه‌رو شد. امروز ما ۳۲سال است تقابل‌مان مستقیم با یک قطب است.

حرف من این است که بعد از ۳۲سال امریکایی‌ها حرفی که ما اول انقلاب‌مان زدیم را الان می‌زنند، می‌گویند ایران، بر مبنای ارائه یک مدل حکمرانی جدید تهدید ماست. تا الان می‌گفتند تروریسم، اما امروز می‌گویند همه اینها هست، نه اینکه اینها را نگویند، اما موقعی که می‌خواهند دشمن خودشان را تعریف کنند، امریکایی‌ها می‌گویند ایران تهدید سوم ماست. تهدید در حکمرانی است؛ آن کسی که دموکراسی غربی را به چالش گرفته و یک مدل حکمرانی جدید ارائه می‌کند. شما می‌دانید امریکایی‌ها یک سند امنیت ملی دارند که مربوط به قرن بیست‌ویکم است. در بند ۱ این سند درباره سه تهدید بین‌المللی می‌گوید، تهدید اول چین است. تنها کشوری که در رهبری جهان با امریکا رقابت می‌کند تا سال ۲۰۳۰، چین است. در سند ۲۰۲۰ می‌گفتند که روسیه هم در این رقابت قرار دارد اما بعد از جنگ اوکراین تصورشان این است که اکنون فقط چین دارای چنین مزیتی است که می‌تواند وارد رقابت در رهبری جهان با امریکا شود. در هر حال امریکایی‌ها در این سند جدیدشان می‌گویند اولین تهدید ما چین است. دومین تهدید را دو سال پیش می‌گفتند دولت‌های خودکامه، الان می‌گویند تهدید دوم ما روسیه است. می‌گویند روسیه است که ظرفیت راه‌اندازی جنگ جهانی دارد.

شما این حجم تسلیحاتی را که الان امریکایی‌ها و اروپایی‌ها دارند به اوکراین می‌دهند، ببینید. حالا در اینجا، اسرائیل می‌گوید ایران تهدید اول من است. امریکا هم این را تأیید می‌کند، برای همین باید اول مسئله ایران را حل می‌کرد. مسئله روسیه را چون شما می‌دانید دیگر توضیح نمی‌دهم و با اتفاقی که در روسیه افتاد، بازی‌شان به هم خورد. برای همین سراغ ایران آمدند. اشتراک دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در این است که آنها معتقدند باید ایران را ضعیف کنند، اما یک فرقی هم باهم دارند و این‌طور نیست که بگوییم هیچ فرقی ندارد. نه، راهبردهای آنها فرق می‌کند. هر دوی آنها به جنگ ترکیبی اعتقاد دارند، اما پایه جنگ ترکیبی جمهوری‌خواهان اگر سر کار بیایند، جنگ امنیتی است. از جنگ نرم و سخت هم استفاده می‌کنند. پایه جنگ دموکرات‌ها نرم است، اما از نیمه سخت و معتبرسازی سخت استفاده می‌کنند. الان که دموکرات‌ها سر کار هستند پایه جنگ‌شان، جنگ نرم است. حال می‌گویند ما باید هویت‌زدایی و هویت‌سازی کنیم. مراحل متعدد برای هویت‌زدایی دارند، شبهه‌افکنی از طریق طرح سؤال، تکرار سؤال، پاسخ سؤال ناقص و غلط و به محاق بردن پاسخ واقعی. دوم، تردید، تردید در صداقت، اعتماد، موفقیت، امید، مقبولیت و مشروطیت. بعد گام بعدی ایجاد بی‌تفاوتی در توده مردم و ترس در خواص. بحث بعدی ایجاد گسست اجتماعی است، می‌گویند ما در این ۴۴سال گسست نسلی را کار کردیم، گسست قومی را کار کردیم، گسست مذهبی هم کار کردیم. امروز باید گسست اجتماعی کنیم. دو طرف گسست با همدیگر دعوای‌شان شود. نسبت به هم نفرت و کینه پیدا کنند. بعد این گسست اجتماعی را تبدیل به گسست اجتماع و حاکمیت کنیم. هر دو طرف گسست با حاکمیت مسئله‌دار می‌شود. این می‌گوید چرا با بی‌حجابی برخورد می‌کنید؟ آن یکی می‌گوید چرا جلوی بی‌حجابی را نمی‌گیرید؟ این می‌گوید چرا خشونت به خرج می‌دهید در کف خیابان، آن یکی می‌گوید چرا مماشات می‌کنید؟ هر دو طرف، اینها سؤال‌مندند. اینجا زمینه گسست حاکمیتی، گسست اجتماع و حاکمیت شکل می‌گیرد.

گام بعدی شبکه‌سازی است. در همه جا از جمله دانشجویی، مدارس و جاهای مختلف شبکه‌سازی می‌کنند، حتی در بین اراذل و اوباش، در بین اراذل و اوباش هم اسرائیلی‌ها، شبکه ساختند و هم امریکایی‌ها. بعد تولید هیجان. جامعه را هیجانی کردند. در اردیبهشت امسال به یک تیم حدود ۳۰۰نفره تولید بازی‌های کامپیوتری برخورد کردیم. کدنویس بودند و کار کدنویسی می‌کردند، اما سه نفر از اینها به اسرائیل وصل بودند. مأموریت اینها در تولید بازی‌ها این بود که سه کار انجام بدهند: ۱- مسئله تولید هیجان ۲- خشونت ۳- فحشا.

با توجه به مباحثی که مطرح کردید، اولویت مقابله و حل این تهدیدات چیست؟

ما باید مشکلات را در داخل حل کنیم، ما باید زود از پدافند خارج شویم و برویم به سوی آفند. شما الان این وضعیتی را که اسرائیل دارد، ببینید، افکار عمومی ما وضع اسرائیل را نمی‌دانند، شما الان از یک جوان در دانشگاه بپرسید، اصلاً از این قصه‌ها تصویری ندارد که سؤال برایش ایجاد شود و شما سؤالش را تکمیل کنید. ما نتوانسته‌ایم این را تبدیل به یک تصویر ذهنی کنیم که سؤال برایش به وجود بیاید، حتی در تصویر امریکا در اذهان ایران هیچ بحثی نیست. برای همین ما باید بتوانیم به سرعت از پدافند خارج شویم و به سمت آفند برویم. معلوم است که طرف مقابل نمی‌خواهد موفقیت‌های کشور و اتفاق‌های خوبی را که در کشور می‌افتد، ببیند. دولت باید بیاید و پیشرفت‌هایی که در همین یک‌سال‌وخرده‌ای شده برای شما بگوید. حرف من این است که مثلاً نباید انتظار داشته باشیم مسئله خودرو در سال اول و دوم حل شود، ولی انتظار جامعه این است ولی خب یک شبکه مافیایی هست، من اولین روزی که دولت در مورد خودرو موضع گرفت، سریع تماس گرفتم و گفتم دارید در زمین اشتباه بازی می‌کنید. ما با سابقه امنیتی می‌فهمیم. در این حوزه اول باید زیرساخت‌ها را اصلاح کرد.

بعد از حوادث دی ماه، یکسری از سلبریتی‌ها اظهاراتی داشتند که بعد مشخص شد نادرست است که دیدگاه‌های مختلفی درباره برخورد با این سلبریتی‌ها وجود دارد، به نظر شما برخوردهایی که صورت گرفت، چگونه بود؟

من معتقدم اتفاقاً برخوردی که با سلبریتی‌ها شد تا حدودی اصول جنگ ترکیبی فعلی رعایت شد، یعنی موقعی که فرضاً آن آقا آمد و گفت دختر اردبیلی را کشتند، زود نرفتند با روش امنیتی با آن برخورد کنند، چرا؟ چون در جنگ ترکیبی، او فالوور دارد، طرف مقابل می‌خواهد هیجان فالوور بیشتر شود، هیجان تبدیل به خشونت شود، سیستم امنیتی اگر می‌خواهد با جنگ ترکیبی مقابله کند، باید تحملش را بالا ببرد که این فالوور هیجانی‌تر و تبدیل به خشونت هم نشود. کاری که کردند، به نظرم عالی بود. این فرد را خواستند و گفتند برای ادعای خود سند اگر داری سند بده، در مجموع عملکرد، عملکرد خوبی بود.

الحمدلله سیستم امنیتی و عمده جبهه انقلاب هوشمندانه عمل می‌کند و ان‌شاءالله آینده انقلاب اسلامی درخشان است و طراحی‌های دشمنان هم نقش بر آب خواهد شد.

دیپلماسی

معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه ایران:

چین می‌داند ایران می‌تواند امنیت انرژی را تأمین کند

چینی‌ها می‌دانند ایران می‌تواند امنیت انرژی را تأمین کند، بنابراین امنیت تجارت و انرژی از سوی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند تأثیرگذار است.

به گزارش ایرنا، مهدی صفری، معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه ایران در برنامه جهان‌آرا درباره سفر رئیس‌جمهور به چین اظهار داشت: سفر رئیس‌جمهور به چین از لحاظ پروتکلی یک سفر رسمی در بالاترین سطح بود. آقای رئیسی ملاقات‌های بسیار مهمی با شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین، نخست وزیر و رئیس پارلمان داشت، همچنین جلسه‌ای با اقتصاددانان و ابرشرکت‌های چینی داشت که شرکت‌های چینی حضور داشتند و مسائل‌شان را مطرح کردند و رئیس‌جمهور نیز اعلام کرد درها باز است، پروژه‌ها مشخص است، اگر موانعی باشد تلاش می‌کنیم رفع شود.

وی در مورد ارتباط این سفر با موضوع سند ۲۵ساله همکاری‌های چین و ایران گفت: حدود ۹ماه پیش در سفر وزیر خارجه به چین و همچنین در پایان ملاقات دو وزیر خارجه اعلام شد که این سند جامع اجرایی شود اما به خاطر مسائل کرونا اقدام چندانی صورت نگرفته بود، بنده اخیراً سفری به چین داشتم که به خاطر شرایط هفت‌هشت روزی هم در قرنطینه بودیم.

معاون دیپلماسی اقتصادی وزیر امور خارجه با اشاره به اینکه بیشترین محصولات صادراتی ما اغلب کشاورزی است، تصریح کرد: در این مدت تلاش کردیم مجوز یکسری از محصولات کشاورزی از جمله سیب، کیوی، لبنیات، مرکبات و زعفران را از چین بگیریم.

صفری افزود: در مورد ساخت مسکن، انرژی‌های پاک، حمل و نقل، کشاورزی و موضوعات دیگر در جریان این سفر گفت‌وگوها انجام و اسنادی نیز به امضا رسید که اگر پیگیری شود، شاهد تحول خواهیم بود. وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به همکاری‌های منطقه‌ای اظهار داشت: یکی از موارد همکاری‌های منطقه‌ای، شانگهای است که در خرداد ماه سال ۱۴۰۲ در هند به عضویت کامل درمی‌آییم. در مورد بریکس هم طرف چینی پذیرفت که از ایران برای عضویت در بریکس حمایت خواهد کرد.

معاون وزیر امور خارجه همچنین در ارتباط با سطح تعامل چین با دولت سیزدهم در مقایسه با دولت‌های گذشته گفت: سیاست دولت‌ها فرق می‌کند، همیشه تأکید کرده‌ام که باید سیاست خارجی ما وابسته به دولت‌ها نباشد، حاکمیتی باشد که با یک دولت جهت ما عوض نشود، در این دولت گرایش محکمی به کشورهای آسیایی وجود دارد، همچنین آفریقا و اروپا. دولت هم اعلام کرده بود همسایگان در اولویت قرار دارند و همین سیاست دنبال می‌شود و طرف چینی هم متوجه این مسئله است، بنابراین سطح روابط عالی است.

صفری همچنین درباره علاقه‌مندی چینی‌ها برای کار کردن با ایران هم گفت: معتقدم اقتصاد چین اول است، امریکایی‌ها پول چاپ می‌کنند. ما در منطقه خلیج فارس و دریای عمان ۲هزارو۲۰۰کیلومتر ساحل داریم، چین ۶/۵میلیون بشکه نفت را از این منطقه می‌برد، آیا فقط تأمین انرژی مهم است یا امنیت آن هم مهم است؟ کشوری مثل جمهوری اسلامی ایران امنیت انرژی را هم تأمین می‌کند و این یکی از مواردی است که ایران می‌تواند شریک استراتژیک باشد. چینی‌ها می‌دانند ایران می‌تواند امنیت انرژی را تأمین کند، بنابراین امنیت تجارت و انرژی از سوی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند تأثیرگذار است. وی خاطرنشان کرد: از سوی دیگر ایران، کشوری است که با ۱۵کشور همسایه است و از نظر جغرافیایی مسیر خوبی برای تجارت وجود دارد، لذا ارتباط ایران و چین برای امروز و دیروز نیست، تاریخی است.

یادداشت

حنیف غفاری

دو سیاستمدار و یک خطای بزرگ!

امانوئل مکرون به یک اقتصاددان و سیاستمدار ناتوان در پاریس تبدیل شده است! اصرار وی بر اصلاحات بازنشستگی از یک سو (بدون اقناع افکار عمومی) و سوءمدیریت آشکار وی در مواجهه با بحران‌های اقتصادی جمعی حوزه یورو، سبب شده است رؤیای خام امپراطوری وی بر اتحادیه اروپا به واقعیتی متفاوت ختم شود.

بسیاری از تحلیلگران می‌گویند اصرار مکرون در قبال اصلاحات اجتماعی-اقتصادی از جمله افزایش قطعی سن بازنشستگی، می‌تواند به پاشنه آشیل دولت وی تا قبل از سال ۲۰۲۷ یعنی پایان دوران ریاست جمهوری وی تبدیل شود. فراموش نکنیم که میلیون‌ها فرانسوی اکنون اعتراض و اعتصاب گسترده‌ای را در پاریس، مارسی و دیگر شهرها آغاز کرده‌اند و حوزه حمل و نقل و خدمات عمومی و حتی ساختار آموزشی در فرانسه نیز تحت تأثیر همین تحرکات قرار گرفته است.

در سرزمین ژرمن‌ها نیز «اولاف شولتس» صدر اعظم آلمان وضعیت بهتری نسبت به مکرون ندارد! محبوبیت وی در نظرسنجی‌ها مانند رئیس‌جمهور فرانسه زیر ۲۵درصد بوده و دولت ائتلافی وی که متشکل از سه حزب سوسیال‌دموکرات، سبزها و دموکرات‌های آزاد است، در مواجهه با چالش‌های مسلم و مزمن داخلی و خارجی آلمان ناتوان مانده است. اخیراً در انتخابات محلی ایالت برلین، حزب دموکرات مسیحی توانست به لطف عصبانیت رأی‌دهندگان از حزب سوسیال‌دموکرات (حزب متبوع شولتس)، پیروزی بی‌سابقه‌ای را طی دو دهه اخیر به دست بیاورد و در مسیر شکست کامل شولتس و دولت چندپاره و ناکام وی گام بزرگی بردارد.

وجه مشترک دیگر هر دو سیاستمدار ارشد اروپایی یعنی «مکرون» و «شولتس» تأکید بر سیاست «نه جنگ، نه صلح» در اوکراین است. یک بام و دوهوای پاریس و برلین در جنگ اوکراین، هزینه‌های اعتباری و سیاسی سختی را متوجه این دو بازیگر اروپایی کرده است. آنها از یک سو بر لزوم استمرار نبرد اوکراین تأکید دارند و از سوی دیگر، نسبت به واکنش روسیه نسبت به مداخله‌گرایی تسلیحاتی خطرناک خود در میدان نبرد و حمایت‌های فراسیاسی از دولت زلنسکی در کی‌یف نگران هستند! اولاف شولتس طی روزهای اخیر، نتوانسته است نگرانی خود را نسبت به واکنش روسیه در قبال تحویل تانک‌های آلمانی لئونارد ۱ به ارتش اوکراین کتمان کند. فرانسوی‌ها نیز از یک سو مخالفت آشکار یا ضمنی خود را با پیوستن اوکراین به پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و اتحادیه اروپا بیان کرده و از سوی دیگر، تأکید دارند که اوکراین باید کماکان به زمین بازی غرب در برابر کاخ کرملین تبدیل شود!

بررسی همزمان آنچه در آلمان و فرانسه می‌گذرد، به وضوح بیانگر عدم‌درک صحیح مکرون و شولتس از اصول حکمرانی است. این دو سیاستمدار که هنوز در توهم سال‌های ابتدایی تشکیل اتحادیه اروپا و بلکه در توهم دوران جنگ جهانی دوم به سر می‌برند، از عهده مدیریت حداقلی تحولات داخلی کشورهای خود نیز عاجز مانده‌اند، حال جنگ اوکراین و تبعات بین‌المللی و امنیتی آن جای خود را دارد! اگرچه فرانسوی‌ها و ژرمن‌ها در ادبیات سیاسی حوزه روابط بین‌الملل، تلاش کرده‌اند خود را نماد تسلط بر حوزه حکمرانی مطلوب جلوه دهند، اما آشفتگی جاری در حوزه سیاست داخلی و خارجی پاریس و برلین از این تصویرسازی نادرست و دروغین پرده برمی‌دارد.

استفاده از لفظ «دولت‌های حداقلی» در قبال دولت‌های کنونی آلمان و فرانسه با توجه به اقبال عمومی نسبت به آنها و رشد جریان‌های اپوزیسیون دولت‌های مذکور، بیراه نخواهد بود! تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل دو حوزه سیاست داخلی و خارجی بر یکدیگر، شولتس و مکرون را در هر دو عرصه به بازیگرانی ناموفق و شکست‌خورده تبدیل کرده است؛ شکستی که به نظر می‌رسد هر اندازه زمان سپری می‌شود، بر عمق و دامنه آن افزوده می‌شود.

گزیده خبر

کوشکی:

غرب به دنبال استفاده تبلیغاتی از کنفرانس مونیخ علیه ایران است

غرب وقتی از چهره‌هایی مانند پهلوی به کنفرانس مونیخ دعوت می‌کند، در واقع به دنبال استفاده تبلیغاتی از آن علیه کشورمان است.

صادق کوشکی، کارشناس مسائل سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با مهر، در خصوص برگزاری کنفرانس امنیتی مونیخ و عدم‌دعوت از کشورمان در این نشست گفت: نشست‌های امنیتی که در سال‌های اخیر شاهد تکرار آن در کشورهای متفاوت از جمله اروپایی و حاشیه خلیج‌فارس بودیم، در واقع با کارویژه حضور چهره‌های مختلف و ارائه ایده‌های آنها طراحی شده است که در حاشیه آن نیز گفت‌وگوهای دوجانبه و چندجانبه صورت می‌گیرد.

وی افزود: کار ویژه دیگری که این نشست‌ها دارند، بحث تبلیغاتی آنهاست و عملاً در این فضا، کشور و نهادی که برگزارکننده است، به دنبال جهت دادن به فضای سیاسی و فضای دیپلماتیک جهانی است.

این کارشناس مسائل سیاسی تصریح کرد: این نشست‌ها غیررسمی است و صرفاً محل دیدار و تبادل‌نظر است و در این نشست‌ها تصمیماتی اتخاذ نمی‌شود، مانند نشست داووس که رویکرد اقتصادی دارد، به همین خاطر غرب وقتی از چهره‌هایی مانند پهلوی به کنفرانس مونیخ دعوت می‌کند، در واقع به دنبال استفاده تبلیغاتی از آن علیه کشورمان است و طبیعی است اروپایی‌ها بخواهند در چنین جلساتی مواضع ضدایرانی و ضدروسی بگیرند، لذا نباید آنها را جدی گرفت.

«قاهر» بدون سرنشین می‌شود

رئیس سازمان صنایع هوایی وزارت دفاع با بیان اینکه هواپیمای قاهر در نقش هواپیمای بی‌سرنشین ظهور خواهد کرد، گفت: پروژه قاهر الان در فناوری به بلوغ کامل رسیده است و در محصول تنوع ایجاد کرده‌ایم.

به گزارش تسنیم، امیر افشین خواجه‌فرد، رئیس سازمان صنایع هوایی وزارت دفاع طی سخنانی در برنامه تلویزیونی صف اول، به تشریح برخی دستاوردها و برنامه‌های حوزه هوایی پرداخت.

وی با بیان اینکه پروژه هواپیمای قاهر در نقش هواپیمای بی‌سرنشین ظهور خواهد کرد، گفت: پروژه قاهر الان در فناوری به بلوغ کامل رسیده است و در محصول تنوع ایجاد کرده‌ایم. اواسط سال آینده از نسخه‌هایی از این هواپیما رونمایی خواهد شد. ما نسخه‌های این هواپیما را با نیاز دو نیرو تطبیق دادیم و باتوجه به نیاز آنها تغییراتی در هواپیما ایجاد کردیم.

خواجه‌فرد در بخش دیگری از سخنانش اظهار داشت: چندی پیش یکی از شرکت‌های دانش‌بنیان وزارت دفاع پهپادی در حوزه اطفای حریق طراحی و تولید کرده بود. کارشناسانی هم از داخل کشور و هم از خارج برای ارزیابی آن آمدند، دو کشور خارجی پس از تأیید این پهپاد آن را خریداری کردند اما متأسفانه هنوز مسئولان و شهرداران کشور خودمان در حال ارزیابی این پهپاد هستند و آن را تهیه نکرده‌اند. خواجه‌فرد با اشاره به حوزه هواپیمای الکتریکی نیز تصریح کرد: در این حوزه چند نمونه کار را آغاز کردیم و طی سال آینده دو نمونه را هم تست خواهیم کرد.